

رشد خاموش مصرف دخانیات در نسل زنان ایرانی

استرس‌های اقتصادی، ناامیدی شغلی و فشار زندگی شهری، زمینه‌ساز گرایش زنان جوان به دخانیات شده و سیگار به ابزاری برای تخلیه هیجانی و مقابله با بی‌ثباتی اجتماعی تبدیل شده است



کلیک کنید تا بزرگ شود

تا همین چند دهه پیش، مصرف سیگار و قلیان در میان زنان جامعه‌نه تنها امری عادی تلقی نمی‌شد، بلکه در عرف عمومی نشانه‌ای از ناهنجاری اجتماعی و فاصله گرفتن از هنجارهای فرهنگی محسوب می‌شد.

تصویر غالب از زن ایرانی با مصرف دخانیات همخوانی نداشت و همین قبح اجتماعی، خود به‌تنهایی یک مانع بازدارنده بود. اما امروز روایت تغییر کرده است. آمارهای رسمی از رشد نگران‌کننده مصرف دخانیات در میان دختران و زنان جوان حکایت دارد. به تازگی معاون شورای عالی انقلاب فرهنگی از اعلام افزایش ۱۳۵ درصدی مصرف دخانیات در گروه سنی ۱۸ تا ۲۵ سال و افزایش ۸۸ درصدی مصرف دخانیات در چند سال اخیر، خبر داده است. این آمار زنگ خطر جدی برای سیاست‌گذاران اجتماعی و فرهنگی است. حال پرسش اساسی اینجاست: چه اتفاقی افتاده که سیگار، از یک رفتار حاشیه‌ای و قبیح، به رفتاری نسبتاً عادی و

بازتعریف هویت اجتماعی زنان

آمارهای رسمی نشان می‌دهد مصرف دخانیات در میان دختران ۱۸ تا ۲۵ سال در چند سال اخیر حدود ۱۳۵ درصد افزایش یافته است و بررسی‌های پژوهشی نیز حکایت از رشد ۸۸ درصدی مصرف در گروه‌های سنی مختلف زنان بین سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۲ دارد. اما نکته نگران‌کننده‌تر، گسترش مصرف قلیان است که عمدتاً به شکل گروهی صورت می‌گیرد. امیدعبداللهی، معاون اجتماعی شورای عالی انقلاب فرهنگی، اعلام کرده که مصرف قلیان در میان زنان طی پنج سال اخیر ۵۷درصد افزایش یافته، در حالی که این نرخ در مردان تنها ۱۷ درصد بوده است. این آمار نشان می‌دهد مصرف دخانیات، به‌ویژه قلیان، در میان زنان با سرعت بیشتری

سیگار؛ تجربه جمعی نوجوانان

یک جامعه‌شناس در گفت‌وگو با آتیه‌نو تأکید کرد جذابیت سیگار برای نوجوانان بیشتر ناشی از حس تعلق، هیجان گروهی و دیده شدن است تا اثر نیکوتین

افزایش سیگار کشیدن در میان دختران و زنان تنها یک «رفتار پرخطر» نیست؛ نشانه‌گر تغییر عمیق در تجربه‌های جنسیتی، بازتعریف هویت، و نحوه مواجهه نسل جدید با ملال و هیجان است. زهرا محسنی فرد، جامعه‌شناس و پژوهشگر اجتماعی، در این گفت‌وگو بر ضرورت شنیدن صدای نوجوانان و جوانان، تقدم پژوهش بر مداخله و نقش محوری خانواده در شکل‌گیری رفتارهای پرریسک تأکید می‌کند.

معمولاً در باره افزایش مصرف سیگار در میان دختران و زنان، دنبال یک علت مشخص می‌گردند؛ نظر شما درباره این پدیده چیست؟ پدیده‌های اجتماعی را نمی‌توان با یک علت ساده توضیح داد. وقتی درباره افزایش مصرف سیگار در میان دختران و زنان صحبت می‌کنیم، باید آن را در بستر گسترده‌تر، یعنی در چارچوب «تجربه‌های جنسیتی» در ایران امروز بررسی کنیم. جامعه‌ای که با آن روبه‌رو هستیم، شاهد است که بسیاری از تجربه‌هایی که تا چند دهه پیش صرفاً مردانه تلقی می‌شد، حالا وارد زندگی زنان و دختران شده است. این تغییر محدود به سیگار نیست؛ حتی ممکن است دامنه‌ای فراتر داشته باشد و هم رفتارهای مثبت و هم منفی را در بر بگیرد. افزایش تمایل زنان به اشتغال، استقلال اقتصادی، یا تغییر در سبک زندگی، همه بخشی از همین دگرگونی است. در کنار این‌ها، برخی رفتارها نیز هستند که می‌توان آن‌ها را ناهنجار یا حتی مجرمانه دانست. برای فهم مصرف سیگار، باید آن را در دل این تغییر کلی دید؛ تجربه‌هایی که قبلاً صرفاً مردانه بودند، حالا دوجنسیتی یا زنانه شده‌اند. یک پرسش مهم این است که نسبت مصرف سیگار میان دختران و پسران نوجوان چگونه است، الگوهای آن چه تفاوت‌هایی دارند و این تفاوت‌ها از کجا ناشی می‌شوند. بدون این تصویر آماری و تحلیلی، هر قضاوتی شتاب‌زده خواهد بود. اما حتی پیش از آمار، باید کانتکست اجتماعی و فرهنگی این تغییر را در نظر گرفت؛ اینکه تجربه‌هایی که پیش‌تر مردانه تلقی می‌شد، حالا برای دختران هم در دسترس، قابل تجربه و حتی ارزشمند شده است.

به نظر شما چرا سیگار برای نوجوانان و جوانان، به‌ویژه دختران، جذاب شده است؟ این جذابیت از کجا ناشی می‌شود؟ نوجوانان و جوانان امروز بیش از هر چیز دنبال «ملال‌گریزی» هستند. هر چیزی که بتواند بخشی از هیجان آن‌ها را تأمین کند، برایشان جذاب است. زندگی روزمره ما سرشار از ملال است، اما نوجوانان به دلیل ویژگی‌های زیستی و ساختار مغز خود، نیاز بیشتری به دریافت دوپامین دارند؛ این یک واقعیت بیولوژیک است. بنابراین، آن‌ها سراغ چیزهایی می‌روند که این نیاز را حتی به شکل نادرست برآورده کند. نکته مهم این است که این رفتارها اغلب فردی نیست؛ بلکه جمعی‌اند. نوجوانان معمولاً سیگار را در جمع تجربه می‌کنند و آنچه برایشان لذت‌بخش است، الزاماً اثر نیکوتین یا خاصیت مخدر سیگار نیست، بلکه «تجربه جمعی» است؛ بودن در گروه، دیده‌شدن، حس تعلق و هیجان مشترک.

در مورد دختران، این تجربه جمعی چه معنایی می‌یابد؟ در جامعه ما، انتساب به برخی ویژگی‌های مردانه برای دختران ارزش محسوب می‌شود. یعنی اگر دختری رفتارهایی از خود نشان بدهد که به‌طور کلیشه‌ای مردانه تلقی می‌شود، ممکن است تشویق یا تحسین شود. اما اگر پسری رفتارهای زنانه نشان بدهد، اغلب با طرد مواجه می‌شود. این عدم تقارن، نشانه قدرت کلیشه‌های جنسیتی در جامعه ماست. برای برخی دختران، مصرف سیگار می‌تواند تلاشی باشد برای نمایش قدرت، جسارت، یا همان چیزی که خودشان می‌گویند «خفن بودن» یا «گنگ بودن». این یک زبان نمادین؛ زبانی برای ساختن هویت در دل گروه همسالان است.

وقتی مادر یا پدر سیگار می‌کشند، چه اثری بر نوجوان خود می‌گذارند؟ مصرف سیگار در میان زنان بالای ۲۵ سال نیز افزایش یافته است. بنابراین نوجوانان بارها مصرف سیگار را در خانه می‌بینند، چه از سوی مادر و چه پدر. این موضوع نشان می‌دهد که والدین هنوز نقش الگویی مهم دارند؛

در کشور بر اثر مصرف مستقیم یا غیرمستقیم دخانیات جان خود را از دست می‌دهند؛ رقمی که بخشی از آن به افرادی تعلق دارد که خود مصرف‌کننده نیستند اما در معرض دود سیگار قرار دارند. همزمان، هزینه‌های درمان بیماری‌های ناشی از دخانیات به نظام سلامت فشار می‌آورد، مسئله‌ای که اغلب در تحلیل‌های عمومی کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

تحولات فرهنگی و فشارهای اجتماعی

جامعه‌شناسان چندین عامل فرهنگی و اجتماعی را در افزایش مصرف دخانیات در میان زنان دخیل می‌دانند. کاهش قبح اجتماعی، تأثیر رسانه‌ها و الگوهای رفتاری، استرس‌های اقتصادی و فشار زندگی شهری از جمله این عوامل است. شبکه‌های اجتماعی، سریال‌ها و محصولات رسانه‌ای داخلی و خارجی تصویری متفاوت از مصرف دخانیات ارائه داده‌اند؛ سیگار نه به‌عنوان یک آسیب بلکه به‌عنوان بخشی از هویت فردی یا ژست روشنفکرانه معرفی می‌شود. عادی‌سازی تدریجی این رفتار قبح اجتماعی را کاهش داده و مرزهای پیشین را کمرنگ کرده است. فشارهای اقتصادی و روانی، ناامیدی نسبت به آینده شغلی، اضطراب‌های اجتماعی و احساس بی‌ثباتی، زمینه‌گرایش جوانان به رفتارهای پرخطر و استفاده از سیگار به‌عنوان ابزار تخلیه هیجانی یا هم‌هویتی با گروه همسالان را افزایش داده است.

بازار، سیاست و پیامدهای اجتماعی

نقش شبکه‌های قاچاق و مافیای دخانیات در این روند غیرقابل چشم‌پوشی است. گردش مالی بازار دخانیات در کشور بالغ بر ۴۰ هزار میلیارد تومان است که بخش عمده‌ای در اختیار تولیدکنندگان خارجی قرار دارد. سود کلان موجب تبلیغ غیرمستقیم، عرضه گسترده و هدف‌گیری گروه‌های جدید مصرف‌کننده می‌شود. در کنار آن، خلا سیاست‌گذاری مؤثر و برنامه‌های پیشگیرانه، به‌ویژه آموزش رسمی متناسب با نسل جدید، وضعیت را تشدید کرده است. کارشناسان هشدار می‌دهند که افزایش مصرف دخانیات تنها یک موضوع بهداشتی نیست، بلکه معضل اجتماعی و فرهنگی است و اگر مدیریت نشود، پیامدهای آن نظام سلامت، سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی نسل آینده را تهدید خواهد کرد.

یادداشت
O P I N I O Nریحانه سیورنژاد
روانشناس

دود هویت در چشم دختران جوان

سیگاری شدن جوانان را نمی‌توان به یک انتخاب ساده یا بی‌توجهی فردی تقلیل داد. این پدیده، بر اساس مدل زیستی-روانی-اجتماعی، نتیجه تلاقی چند عامل درهم‌تنیده است؛ از آسیب‌پذیری عصبی مغز نوجوان تا فشار همسالان، الگوهای خانوادگی، بحران هویت و تصویرسازی‌های رسانه‌ای. شروع مصرف دخانیات عمدتاً در دوره نوجوانی و اوایل جوانی رخ می‌دهد؛ دوره‌ای که قشر پیش‌پیشانی مغز، مسئول کنترل تکانه و تصمیم‌گیری، تا اواسط دهه سوم زندگی به تکامل کامل نمی‌رسد. نیکوتین با فعال‌سازی سیستم دوپامینی مغز، لذت کوتاه‌مدت ایجاد کرده و وابستگی عصبی شکل می‌دهد. این اثر زیستی، زمینه‌ای برای مصرف مداوم و توسعه عادت فراهم می‌کند.

در کنار زمینه زیستی، نقش همسالان بسیار تعیین‌کننده است. نوجوانان نیاز شدیدی به پذیرفته شدن در گروه دارند و پژوهش‌ها نشان داده‌اند که داشتن دوست‌های سیگاری احتمال شروع مصرف را چند برابر افزایش می‌دهد. وقتی سیگار در یک جمع عادی تلقی شود، مقاومت فرد کاهش می‌یابد و هنجار گروهی گاه از هر آموزش رسمی قدرتمندتر عمل می‌کند. خانواده نیز نقشی کلیدی دارد؛ فرزندان والدین سیگاری نه تنها الگوگیری می‌کنند، بلکه خطر مصرف را نیز کمتر ادراک می‌کنند. عادی‌سازی سیگار در فضای خانه پیام ضمنی می‌دهد که این رفتار تهدیدکننده نیست و زمینه شروع مصرف در سنین پایین را فراهم می‌کند.

عامل دیگر سلامت روان و تنظیم هیجان است. بسیاری از نوجوانان و جوانان با اضطراب، افسردگی یا فشارهای تحصیلی و اجتماعی مواجه‌اند و نیکوتین به‌طور موقت احساس آرامش یا تمرکز ایجاد می‌کند. این اثر گذرا به چرخه وابستگی می‌انجامد و فرد برای فرار از تنش دوباره به سیگار پناه می‌برد. نوجوانی دوره جستجوی هویت است و برخی رفتارهای پرخطر، از جمله سیگار کشیدن، ممکن است به‌عنوان نماد استقلال یا بلوغ تجربه شوند. گرایش به هیجان‌طلبی نیز با احتمال بالاتر مصرف دخانیات همبستگی دارد و در چنین بستری، سیگار کارکردی هویتی پیدا می‌کند. در سال‌های اخیر افزایش گرایش زنان جوان به مصرف سیگار نشان می‌دهد تحولات فرهنگی و اجتماعی چگونه رفتارها را دگرگون می‌کنند. تغییر نقش‌های جنسیتی و حضور اجتماعی و شغلی زنان باعث شده برخی رفتارهای پیش‌تر مردانه، بار نمادین خود را از دست دهند. صنعت دخانیات نیز زنان را هدف قرار داده و با تأکید بر آزادی، جذابیت و لاغری، نگرش آن‌ها را تحت تأثیر قرار داده است. فشار مضاعف نقش‌ها، اضطراب و افسردگی بالاتر و باورهای مرتبط با کنترل وزن نیز عوامل افزایش‌دهنده مصرف هستند. در مجموع، سیگاری شدن جوانان تصمیمی آگاهانه برای آسیب زدن به خود نیست، بلکه محصول تلاقی آسیب‌پذیری عصبی، فشارهای اجتماعی، تحولات فرهنگی و تلاش برای تنظیم هیجان و تثبیت هویت است.